



The Cambridge Companion to  
**the City in Literature**

# سهردر ادبیات

کوین مک‌نامارا | نگین نوریان دهکردی

راهنمای  
کمبریج



عنوان و نام پدیدآور: راهنمای کمبریج: شهر در ادبیات  
نویسنده [صحیح: ویراستار]: کوین مک نامارا  
مترجم: نگین نوریان دهکردی.  
مشخصات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۲۵-۶۳-۵  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت عنوان اصلی: The Cambridge Companion  
to the City in Literature, 2014.  
یادداشت: کتابنامه.  
عنوان دیگر: شهر در ادبیات.  
موضوع: شهرها و شهرستان‌ها در ادبیات  
موضوع: Cities and towns in literature  
موضوع: زندگی شهری در ادبیات  
موضوع: City and town life in literature  
موضوع: ادبیات--جنبه‌های اجتماعی  
موضوع: Literature and society  
شناسه افزوده: مک نامارا، کوین آر. ۱۹۵۸-م.، ویراستار  
McNamara, Kevin R., 1958-  
شناسه افزوده: نوریان دهکردی، نگین، ۱۳۵۳، مترجم  
رده‌بندی کنگره: PN۵۶  
رده‌بندی دیویی: ۸۰۹/۹۳۳۲۱۷۳۲  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۴۲۱۶۰۰  
۹۰۵۶۱۰۱

# سهر در ادبیات

کرین مک نامارا | نگین نوریان دهکردی

## راهنمای کمبریج

نویسنده: کوین مک‌نامارا  
مترجم: نگین نوریان دهکردی  
دبیر مجموعه: مهدی صابری  
ویراستار: حیدر خسروی  
ویراستار فنی: مریم فرزانه  
طراح جلد و گرافیک متن: محمد منصورقناعتی  
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی - شهرزاد شاه‌حسینی  
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۲۵-۶۳-۵

نوبت چاپ: اول-۱۴۰۱

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: کاج

صحافی: یاس

قیمت: ۱۹۵۰۰۰ تومان

شهرزاد  
ادبیات

CAMBRIDGE  
UNIVERSITY PRESS

The Cambridge Companion to  
**the City in Literature**  
Kevin McNamara



۰۲۱ - ۶۳۵۶۲

info@khoobb.com

www.khoobb.com



فهرست □

فهرست تصاویر	۹
درباره نویسندگان	۱۱
گاه‌شماری	۱۹
مقدمه	۳۱
کویین آر. مک‌نامارا	
۱   شهرهای آسمانی و آرمان شهرهای عقلانی آنتونیس بالزوبولس	۵۳
۲   شهر در ادبیات عهد باستان سوزان استیونز	۷۳
۳   شهر قرون وسطا و اوایل دوره مدرن در ادبیات کارن نیومن	۹۱
۴   تماشاگر و بزآمدن کلان شهر مدرن آلیسون اوپرن	۱۱۱
۵   خاطره، تمنا، تغزل؛ پرسه‌زن کاترین نسی	۱۲۹
۶   علم اجتماعی و روایت رئالیستی شهری استوارت کولور	۱۵۱
۷   غیر خودی اجتماعی اقتصادی؛ کارگران و تهیدستان بارت کیونن و لوک دو دروخ	۱۷۳
۸   فضای شبانه شهری جیمز آر. گیلز	۱۹۵

۹   توده‌ها، نیروها و امروالای شهری کریستوف دن تانت	۲۱۳
۱۰   قطعه‌پاره و فرم در شهر مدرنیسم آرنولد واینستین	۲۲۹
۱۱   شهرهای آوانگارد مالکوم مایلز	۲۵۳
۱۲   یادآرمان شهرهای شهری راب لاتام و جف هیکس	۲۶۹
۱۳   شهرهای پسامدرن نیک بنتلی	۲۸۹
۱۴   شهرهای استعماری ست گرینر	۳۰۷
۱۵   شهرهای پسااستعماری کارولاین هربرت	۳۲۵
۱۶   شهر در ترجمه؛ مهاجران، اقلیت‌ها، دیاسپورا و جهان‌وطنان آزاده سیهان	۳۴۷
۱۷   انواعی از شبانی شهری کوین آر. مک‌نامارا و تیموتی گری	۳۷۱
یادداشت‌ها	۳۹۳
راه‌نما برای مطالعه بیشتر	۴۲۳
نام‌نامه	۴۳۳
نمایه	۴۵۵





## ■ فهرست تصاویر

۱. چشم اندازهای دمشق، فرارا و ورنزا، از تاریخچه نورمیرگ (۱۴۹۳). به همت مرکز کیرلاک
- ۹۹ برای کلکسیون های خاص، کتاب ها و نسخه های خطی نایاب، دانشگاه پنسیلوانیا
۲. پیرو دلا فرانچسکا، شهر آرمانی (حدود ۱۴۷۰). با مساعدت گالری ملی مارچ، تصاویر
- ۹۹ اوربینو/ گتی
۳. سباستیانو سرلیو، صحنه تراژیک، با همکاری کتابخانه دانشگاه هایدلبرگ (و نیز، ۱۵۶۶)
- ۱۰۰
۴. سباستیانو سرلیو، صحنه کمیک، با همکاری کتابخانه دانشگاه هایدلبرگ (و نیز، ۱۵۶۶)
- ۱۰۲
۵. کلس یانسون فیسر، نمای طولانی از لندن (حدود ۱۶۲۵)، با مساعدت کتابخانه فولگر
- ۱۰۳
۶. استفانو دلا بلا، دورنمای پونت نوف پاریس، حکاکی با قلم، ۱۶۴۶، پاریس، موزه کارناواله
- ۱۰۴



## ■ درباره نویسندگان

آنتونیس بالزوپولس استادیار ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی در دپارتمان مطالعات زبان انگلیسی در دانشگاه قبرس است. حوزه تخصصی او آرمان شهر و آرمان شهرباوری، نظریه سیاسی، مارکسیسم، سینما، مطالعات پسااستعماری و ادبیات آمریکاست. جدیدترین آثار او به جرجو آگامبن و مفهوم دولت از زمان هگل، افلاطون، حیوانیت، آرمان شهر و رمان جاده اثر کورمک مک کارتی می پردازند.

نیک بتلی دانشیار ادبیات انگلیسی در دانشگاه کیل بریتانیا است. علایق پژوهشی او در حوزه داستان و نظریه فرهنگی و ادبی پس از سال ۱۹۴۵ است. او مقالاتی در ژورنال ها و فصل هایی در کتاب های مختلف درباره مارتین آمیس، جولین بارنز، دوریس لسینگ، کالین مک اینتز، سم سلوون، زادی اسمیت و بازنمایی جوانی در داستان های دهه ۱۹۵۰ نوشته و اکنون در حال پژوهش درباره خرده فرهنگ ها در ادبیات داستانی و فیلم است و کتاب های زیر از وی منتشر شده است:

*The English Novel in the 1950s* (2007)

*Contemporary British Fiction* (2008)

*Martin Amis* (2013)

*British Fiction of the 1990s* (ed.) (2005).

استوارت کولوردر دانشگاه یوتا زبان انگلیسی درس می دهد و طیف گسترده ای از مطالب را درباره ادبیات و فرهنگ آمریکا منتشر کرده است که پژوهش هایش درباره هنری جیمز و ال. فرانک باثوم در زمره آن هاست.

لوک دو دروخ استاد کالج دانشگاهی خنت بلژیک است. او دربارهٔ مددکاری اجتماعی، پژوهش دربارهٔ مددکاری اجتماعی و تاریخ مددکاری اجتماعی، تحصیل بزرگسالان و توسعهٔ اجتماعی تدریس می‌کند. چندین مقاله دربارهٔ مددکاری اجتماعی (به زبان هلندی) عمدتاً پیرامون مددکاری اجتماعی حق‌محور، اخلاق مددکاری اجتماعی و تاریخ مددکاری اجتماعی منتشر کرده است. در حال حاضر، در حال پژوهش روی سازمان‌های تهیدستان و وضعیت شهروندی تهیدستان است.

کریستوف دن تانت در دانشگاه آزاد بروکسل ادبیات انگلیسی و نظریهٔ فرهنگی تدریس می‌کند. کتاب زیر به قلم او منتشر شده است:

*The Urban Sublime in American Literary Naturalism* (1998).

او مقالاتی دربارهٔ ادبیات ایالات متحده (رنالیسم کلاسیک، ناتورالیسم اوایل قرن بیستم)، فرهنگ عامه (موسیقی، داستان جنایی) و رنالیسم معاصر به رشتهٔ تحریر درآورده است.

جیمز آر. گیلز استاد ممتاز بازنشستهٔ دانشگاه ایلینوی شمالی است که در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۷ در دپارتمان زبان انگلیسی مشغول تدریس بوده است. او نویسندهٔ نه کتاب است از جمله:

*The Spaces of Violence* (2006)

*Violence in the Contemporary American Novel* (2000)

*The Naturalistic Inner-City Novel in America* (1995)

*Confronting the Horror: The Novels of Nelson Algren* (1989).

همچنین ویراستار همکار وندا جی. گیلز در شش جلد واژه‌نامهٔ بیوگرافی ادبی است. افزون بر آن، بیش از سی مقاله یا داستان کوتاه در نشریات گوناگون منتشر کرده است. جدیدترین آثار گیلز مقالاتی در کتاب‌های زیر است:

*The Oxford Handbook of American Literary Naturalism* (2011)

*A Companion to Twentieth-Century United States Fiction* (2010).

ست گریبتر دانشیار زبان فرانسه در دانشگاه واشینگتن در سنت لوئیس و نویسنده کتاب زیر است:

*History's Place: Nostalgia and the City in Algerian Writing in French* (2007).

تیموتی گری استاد زبان انگلیسی در کالج استاتن آیلند، دانشگاه شهری نیویورک است. به قلم او کتاب‌های زیر منتشر شده است:

*Gary Snyder and the Pacific Rim: Creating Countercultural Community* (2006)

*Urban Pastoral: Natural Currents in the New York School* (2010).

او کتاب شعری به نام کودک ماه نیز منتشر کرده است. پروژه فعلی اش کتابی درباره موسیقی آمریکایی است به نام خواندن ریشه‌های نوشتار راک.

کارولاین هربرت استاد ارشد ادبیات پسااستعماری در دانشگاه لیدز متروپولیتن است. پژوهش او بر ادبیات، فرهنگ بصری و فیلم جنوب آسیا تمرکز دارد، با علاقه ویژه به روایت‌های مدرنیته شهری، سکولاریسم و آزادسازی اقتصادی در هند. او اکنون در حال تکمیل پژوهشی خاص است که ادبیات و بازنمایی‌های ادبی بمبئی / مومبای را بررسی می‌کند. مقالات متعددی نیز درباره ادبیات جنوب آسیا در نشریاتی مانند *تکستچوال پرکتیس*، *ژورنال آو کامن ولس لیترچر و ژورنال آو پست‌کلینال رایتینگ* و نیز چندین مجموعه مقاله نوشته است. کارولاین ویراستار شماره ویژه «شهرهای پسااستعماری در جنوب آسیا» در نشریه *مووینگ ورلدز*: *ژورنال آو ترنس‌کالچرال رایتینگ* (۲۰۱۳) بوده و در کنار کلر چمبرز کتاب زیر را ویراسته است:

*Imagining Muslims in South Asia and the Diaspora: Secularism, Religion, Representations* (2014).

جف هیکس دانشجوی دکترا در دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید است و علایق پژوهشی او را داستان علمی-تخیلی، ادبیات پادآرمان شهری و فیلم کالت تشکیل می‌دهد. ریویوهای در ساینس فیکشن استادیو و ساینس فیکشن فیلم اند تلویژن نوشته و نویسنده همکار در مدخل فیلم بلید رانر در کتاب شناسی آنلاین آکسفورد است. او در حال پژوهش روی شیوه‌های واکنش ادبیات و فیلم قرن بیستم به انفجار جمعیت‌های شهرنشین و قلمروی جغرافیایی نواحی شهری است.

برد کیونن استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه خنت بلژیک است. او یکی از مدیران همکار در تیم مطالعات شهری خنت است و به تدریس دوره‌های لیسانس و بالاتر از آن در تاریخ ادبیات اروپا، جامعه‌شناسی ادبیات و ادبیات تطبیقی مشغول است. او به انتشار مطالبی درباره موضوعاتی در ارتباط با مطالعات شهری، نقد ژانر، تاریخ‌نگاری ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات در نشریات و کتاب‌های بین‌المللی می‌پردازد. از کتاب‌های منتشرشده او می‌توان این موارد را نام برد:

*Time and Imagination: Chronotopes in Western Narrative Culture* (2011)

*The Urban Condition: Space, Community, and Self in the Contemporary Metropolis* (1999).

راب لاتام استاد زبان انگلیسی در دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید است. او سردبیر ارشد نشریه ساینس فیکشن استادیو از سال ۱۹۹۷ و نویسنده کتاب‌های زیر است:

*Consuming Youth: Vampires, Cyborgs, and the Culture of Consumption* (2002).

همچنین ویراستار کتاب زیر:

*The Wesleyan Anthology of Science Fiction* (ed.) (2010).

او اکنون در حال ویرایش راهنمای آکسفورد برای داستان علمی-تخیلی و تکمیل دست‌نویس کتابی درباره موج نوی داستان علمی-تخیلی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است.

کوبین مک‌نامارا استاد ادبیات در دانشگاه هیوستون- کلیر لیک است و در ترکیه و جمهوری چک نیز تدریس کرده است. او نویسنده مقالاتی درباره شهرها، ادبیات و فرهنگ است و کتاب‌های زیر از وی منتشر شده:

*The Cambridge Companion to the Literature of Los Angeles* (ed.) (2010)

*Urban Verbs: Arts and Discourses of American Cities* (1996).

مالکوم مایلز استاد نظریه فرهنگی و مدیر گروه پژوهشی فرهنگ- نظریه- فضا در مدرسه معماری، طراحی و محیط در دانشگاه پلی موث انگلستان است. او با نشریاتی چون ژورنال آو آرکیتهکچر، کالچرال جیاگرافیزو ارین استادیز همکاری کرده و کتاب‌های زیر را نوشته است:

*Herbert Marcuse: An Aesthetics of Liberation* (2011)

*Cities and Cultures* (2007)

*Urban Avant-Gardes* (2004).

کاترین نسی استاد ادبیات فرانسه و مطالعات تطبیقی و فمینیستی در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا و دوره دکتری دانشگاه دیدروی پاریس است. در سال ۲۰۰۷ کتاب زیر به قلم او منتشر شد:

*Le Flâneur et les Flâneuses. Les femmes et la ville à l'époque romantique.*

نسی در این کتاب از طریق بحث‌های والتر بنیامین و ادبیات سراسر نما، در رمان‌های شهری بالزاک و آثار گوناگون نویسندگان زن در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰، بازخوانی جنسیتی‌ای از پرسه‌زن ارائه می‌دهد. او اکنون در حال گسترش تأملات خود درباره پرسه‌زنی از طریق واکاوی روزنامه‌نگاران زن و گزارش‌های ژورنالیستی و قوم‌نگارانه زنان، از ژرژ ساند و فلورا تریستان تا انیس واردا و رزین روبن است. او مسئول بنیاد ژرژ ساند و ویراستار همکار ناینتینس سنچری فرنج استادیز است.



کارن نیومن استاد علوم انسانی و ادبیات تطبیقی و زبان انگلیسی در دانشگاه براون انگلستان است. او مطالب متعددی درباره ادبیات انگلستان در اوایل دوران مدرن و مکتوبات و فرهنگ قاره‌ای، و نمایشنامه‌های شکسپیر و دوره رنسانس نوشته است. آثار اخیر او شامل موارد زیر است:

*Cultural Capitals: Early Modern London and Paris* (2007, paperback 2009)

*Essaying Shakespeare* (2009).

نیومن اکنون در حال پژوهش پیرامون اقبال به شکسپیر در اروپا و ترجمه در اوایل دوران مدرن است.

الیسون اوپرن استاد دپارتمان زبان انگلیسی و ادبیات وابسته و مرکز مطالعات قرن هجدهم در دانشگاه یورک است. او علایق گسترده‌ای در بازنمایی‌های شهر در طول قرن هجدهم دارد و اکنون در حال تکمیل پروژه‌ای درباره بازنمایی‌های عابرقرایی 'شهری در لندن قرن هجدهم و نوزدهم است.

آزاده سیهان استاد علوم انسانی، ادبیات آلمانی و ادبیات تطبیقی و استاد فلسفه در برین مار کالج است. از سیهان آثار زیر منتشر شده است:

*Representation and Its Discontents: The Critical Legacy of German Romanticism*

(1992)

*Writing outside the Nation* (2001)

*Tales of Crossed Destinies: The Modern Turkish Novel in a Comparative Context* (2008).

او مطالب بسیاری درباره ایدئالیسم آلمانی، نظریه رمانتیک و مدرنیته ادبی، ادبیات چندزبانه ایالات متحده و آلمان، و مطالعات تبعید و ترجمه به رشته تحریر درآورده است و اکنون در حال کار روی اثری است با عنوان موقتی تبعید در ترجمه.

سوزان استیونز استاد علوم انسانی و فرهنگ کلاسیک در دانشگاه استنفورد است. از آثار او می‌توان کتاب‌های زیر را نام برد:

*Ancient Greek Novels: The Fragments*, co-authored with Jack Winkler (1995)

*Seeing Double: Intercultural Poetics in Ptolemaic Alexandria* (2003)

*Callimachus in Context: From Plato to Ovid* (2012).

اثر کنونی او درباره «ژئوپوئیتیک» یا شیوه‌هایی است که از طریق آن‌ها اشعار برای مکان‌های باستانی هویت جمعی می‌آفرینند.

آرنولد واینستین استاد ممتاز کرسی ادنا و ریچارد سالومون و استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه براون است. از آثار منتشرشده او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

*Vision and Response in Modern Fiction* (1974)

*Fictions of the Self: 1550-1800* (1981)

*The Fiction of Relationship* (1988)

*Nobody's Home: Speech, Self and Place in American Fiction from Hawthorne to DeLillo* (1993)

*A Scream Goes Through the House: What Literature Teaches Us About Life* (2003)

*Recovering Your Story: Proust, Joyce, Woolf, Faulkner, Morrison* (2006)

*Northern Arts: The Breakthrough of Scandinavian Literature and Art from Ibsen to Bergman* (2008)

*Morning, Noon and Night: Finding the Meaning of Life's Stages Through Books* (2011).

او همچنین سردبیر شماره ویژه «عفونت و سرایت» (۲۰۰۳) در نشریه لیت‌چر اند

مدیسن بوده است.



## ■ گاه‌شماری

حدود ۲۵۰۰ پیش از میلاد	اسطوره‌آیناتا و انکی
حدود ۲۰۰۰-۲۱۵۰	حماسه گیلگمش
قرن دوازدهم	سقوط تروا
قرن هشتم	ایلیاد، هومر
اواسط قرن هفتم	بنیان‌گذاری کتابخانه سلطنتی آشوربانیپال در نینوا
قرن ششم	تأسیس شهر دیونسیا، بخش شهری جشن سالانه برای بزرگداشت دیونیسوس که با اجرای نمایش همراه بود
حدود ۵۱۰	بنیان‌گذاری جمهوری
حدود ۵۰۸	اصلاحات کلهستینس برای استقرار دموکراتیا (حکومت مردم) در آتن
۴۸۶	افزودن نمایش کمدی به شهر دیونسیا
۴۵۱	قانون شهروندی پریکلس
۴۰۴	حکومت سی‌جبار در آتن
۴۰۳	جنگ داخلی در آتن؛ اعاده دموکراسی
۳۹۹	مرگ سقراط
حدود ۳۸۰	افلاطون، جمهور
حدود ۳۶۰	افلاطون، تیمائوس
حدود ۳۵۰	ارسطو، سیاست
حدود ۳۴۰	نوامیس، افلاطون
۳۳۲	بنیان‌گذاری قسطنطنیه
اوایل قرن سوم	بنیان‌گذاری کتابخانه اسکندریه

انه‌اید، ویرژیل	۱۹
غارت اورشلیم به دست تیتوس	۷۰ میلادی
ساتیریکون پترونوس	اواخر قرن نخست
غارت رم	۴۱۰
شهر خدا، آگوستین هیپو	۴۲۶
سقوط رم	۴۷۶
اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ابن‌نصر فارابی	حدود ۹۴۰ میلادی
دکامرون، بوکاچیو	حدود ۱۳۵۱
شورش دهقانی (شورش وات تایلر) در لندن	۱۳۸۱
چاوسر، داستان‌های کنتربری	حدود ۱۳۹۰
فرانسوا ویون، وصیت کوچک؛ وصیت بزرگ در سال ۱۴۶۱ از بی آن منتشر شد	۱۴۵۶
اتوپیا، توماس مور	۱۵۱۶
شهریار، ماکیاولی	۱۵۳۲
ایزابلا ویتنی، دسته گل خوشبو	۱۵۷۳
تاجر ونیزی، ویلیام شکسپیر	حدود ۱۵۹۸
تعطیلات کفاش، توماس دکر	۱۵۹۹
شهر آفتاب، توماسو کامپانلا	۱۶۰۲
شرح تمام داستان‌های معروف و به یادماندنی، نخستین روزنامه چاپی منتشرشده، که در استراسبورگ کار خود را آغاز کرد	۱۶۰۴
دختر جنجالی، توماس میدلتون	۱۶۰۸
شهر مسیحی، جان والنتنین آندریا	۱۶۱۹
آتلانتیس نو، فرانسیس بیکن	۱۶۲۴
بخش‌های لندن و حومه (نوعی راهنمای شهری)، دونالد لوپتون	۱۶۳۲
بلز پاسکال نخستین اتوبوس عمومی جهان را اندکی پیش از مرگش در پاریس افتتاح کرد. این خط مدت کوتاهی دایر بود	۱۶۶۲

آتش‌سوزی بزرگ لندن	۱۶۶۶
جاسوس لندن زد وارد	۱۶۹۸-۱۷۰۰
جوزف آدیسون و ریچارد استیل، اسپکتاتور (در سال ۱۷۱۴ برای مدت کوتاهی آدیسون آن را دوباره احیا کرد)	۱۷۱۱-۱۷۱۲
جان گی، تریویا، یا هنر پیاده‌روی در خیابان‌های لندن	۱۷۱۶
دانیل دفو، مول فلاندرز	۱۷۲۲
جان گی، اپرای گدایان	۱۷۲۸
جیمز یازول در لندن، نشریه او بعدها منتشر شد	۱۷۶۲-۱۷۶۳
تویاس اسمولت، سفر هامفری کلینگر	۱۷۷۱
ویراست پنج‌جلدی گاه‌شمار نیوگیت، شامل ویراست‌های قبلی جزوات آن منتشر شد؛ نسخه‌های مفصل‌تر آن در سال‌های ۱۸۲۴ و ۱۸۲۶ به چاپ رسید	۱۷۷۴
فنی [فرانسیس] برنی، اولینا	۱۷۷۸
ژورنال دو دبا نخستین پاورقی را در پاریس چاپ کرد؛ روزنامه پاریسی لاپرس نخستین روزنامه‌ای بود که در ۱۸۳۶ پاورقی را در صفحه‌ای جداگانه منتشر کرد	۱۸۰۰
ویلیام وردزورث، «ابیاتی که بر پل وست مینستر سروده شد»	۱۸۰۲
نخستین چراغ‌گاز برای روشنایی عمومی خیابان، در پال‌مال، لندن	۱۸۰۷
نصب چراغ‌گاز در پاریس	۱۸۲۰
ویلیام هزلیت، «درباره لندن‌نی‌ها و روستایی‌ها»	۱۸۲۳
استانسلاس بودری خط اتوبوس عمومی را به نانت فرانسه آورد. او این خطوط را در سال ۱۸۲۸ در پاریس و به دنبال آن در سال ۱۸۲۹ در لندن و نیویورک افتتاح کرد	۱۸۲۶
راه‌اندازی تراموای شهری، که اسب آن را پیش می‌راند، در نیویورک	۱۸۳۲
رفاعه رافع طهطاوی، امام در پاریس: شرح اقامت روحانی مصری در فرانسه	۱۸۳۴
انوره دو بالزاک، باباگرینو	۱۸۳۵
چارلز دیکنز، طرح‌هایی از بورژوازی دیگر نوشته‌های شهری وی می‌توان از الیور توئیست (۱۸۳۸)، روزگار سخت (۱۸۵۴) و دوست مشترک ما (۱۸۶۵) نام برد	۱۸۳۶

- ۱۸۴۰ ادگار آلن پو، «مرد ازدحام»
- ۱۸۴۲-۱۸۴۳ اوژن سو، رازهای پاریس، در چند شماره در ژورنال دو دبا به چاپ رسید
- ۱۸۴۵ بنجامین دیزارلیلی، سیبل، یادو ملت
- ۱۸۴۸ الیزابت گاسکل، مری بارتون؛ به دنبال آن در سال ۱۸۵۵ شمال و جنوب انقلاب در شهرهای سرتاسر اروپا
- ۱۸۴۹ ویکتور هوگو، سخنرانی درباره فقر
- فروشگاه بین بریجز در نیوکاسل (که در سال ۱۸۳۸ تأسیس شده بود)، ثبت درآمد هر بخش را آغاز کرد و بنابراین نخستین فروشگاه بزرگ شناخته شد؛ بُن مارشه در پاریس (که آن نیز در سال ۱۸۳۸ بنیان‌گذاری شد) در حدود سال ۱۸۵۰ همین کار را انجام می‌داد.
- ۱۸۵۱ هنری میهو، کارگران و تهیدستان لندن
- کودتای ناپلئون سوم، که در سال ۱۸۵۲ امپراتور شد
- نمایشگاه لندن، به نمایش گذاشتن کریستال پالاس
- ۱۸۵۲ اختراع آسانسور ایمن به دست اِلیشا اوتیس؛ ساختمان بیمه عمر منصفانه (در نیویورک سیتی) در سال ۱۸۷۰ نخستین دفتر اداری برخوردار از بالابر شد
- ۱۸۵۳ ژرژ اوژن اوسمان بازسازی پاریس را آغاز کرد، مرکز قرون وسطایی شهر را ویران کرد و بلوارها و میدان‌ها و مراکز خرید بزرگ ساخت
- ۱۸۵۶ والت ویتمن، «گذر از بروکلین فری»
- ۱۸۶۱ ویراست دوم مجموعه گل‌های بدی شارل بودلر، شامل «تابلوهای پاریسی»؛ «نقاش زندگی مدرن» او در سال ۱۸۶۳ منتشر شد
- ۱۸۶۲ ویکتور هوگو، بینوایان
- ۱۸۶۳ ژول ورن، پاریس در قرن بیستم (تا سال ۱۹۹۴ منتشر نشد)
- خط آهن متروپلیتن در لندن گشوده شد، نخستین سیستم حمل و نقل سریع شهری
- ۱۸۶۴ فنودور داستایوسکی، یادداشت‌های زیرزمینی
- ۱۸۶۶ جیمز مک‌نیل ویسلر مجموعه نقاشی‌های شبانه لندن را آغاز کرد

- ۱۸۷۱ امیل زولا، دارایی خانواده روگن، نخستین جلد از مجموعه بیست جلدی روگن ماکار، شامل نانا (۱۸۸۰)، بهشت بانوان (۱۸۸۳)، ژرمنال (۱۸۸۵)
- ۱۸۷۱ کمون پاریس
- ۱۸۷۳ آغاز به کار نخستین خط تراموای کابلی شهری در سان فرانسیسکو
- ۱۸۷۴ جیمز تامسون، شهر شب مخوف
- ۱۸۷۸ نخستین تبادل تلفنی تجاری در نیویورک کنستیکت
- ۱۸۷۹ نیوکاسل (با یک لامپ) و کلیولند (با دوازده لامپ) نخستین شهرهای دارای لامپ‌های برق برای روشنایی خیابانی که هر دو پروژه‌های نمایشی مخترعان بودند
- ۱۸۸۰ ورتر فون زیمنس، نخستین آسانسور برقی
- ۱۸۸۱ زیمنس نخستین خط تراموای برقی را در لیخترفلد در حومه برلین در آلمان افتتاح کرد
- ۱۸۸۴ ساموئل بارنت توین بی هال را در شرق لندن تأسیس کرد
- ۱۸۸۵ ویلیام لی بارون جنی ساختمان خانه بیمه خود را (در شیکاگو) ساخت؛ سازه‌ای ده طبقه از فولاد که از آغاز عصر آسمان خراش‌ها خبر می‌داد. چهار سال بعد، دانیل برنهام و جان روت ساختمان زندمکنالی را باز هم در شیکاگو بنا کردند: نخستین سازه تمام فولاد
- لایونل جفریس، پس از لندن
- کارل اور فون ولزباخ توری چراغ‌گاز را ابداع کرد که برای روشنایی خیابان به کار می‌رفت
- ۱۸۸۶ رابرت لوئی استیونسن، مورد عجیب دکتر جکیل و آقای هاید
- خط آهن مسافری ریچموند یونیون، نخستین سیستم تراموا که در ریچموند ویرجینیا آغاز به کار کرد
- ۱۸۸۷ علی پاشا مبارک، طرح‌های جدید برای مصر در دوره خدیو توفیق: قاهره و دیگر شهرها
- فردیناند تونیس، گماینشافت و گزلفاشت
- ادوارد بلامی، نگاه به پشت سر، ۱۸۸۷-۲۰۰۰
- ۱۸۸۸



- ۱۸۸۸-۱۸۹۱ قتل‌های محله وایت چپل («جک قصاب»)
- ۱۸۸۹ تأسیس هال هاوس به دست جین آدامز و آلن گیت استار در شیکاگو
- ۱۸۹۰ نمایشگاه جهانی در پاریس، برج ایفل به نمایش گذاشته شد  
ایگناتیوس دانلی، صف سزار  
ویلیام دین هاولز، خطر ثروت‌های تازه  
پیر لوتی، مراکش
- ۱۸۹۱ ژاکوب ریس، چگونه نیمه دیگر زندگی می‌کند  
اسکار وایلد، تصویر دوریان گری
- ۱۸۹۳ استیون کرین، مگی: دختر خیابان‌ها  
امیل دورکیم، تقسیم کار در جامعه  
بردفورد پک، جهان فروشگاه‌های بزرگ است
- ۱۸۹۴ نمایشگاه جهانی کلمب در شیکاگو؛ عرصه افتخار آن، «شهر سفید»، به  
الگوی برای طراحی شهر زیبا بدل شد  
آرتور موریسون، داستان‌های خیابان‌های شورور
- ۱۸۹۵ گوستاو لوبون، توده: مطالعه ذهن جمعی
- ۱۸۹۸ ابنیزر هاوارد، فردا: مسیری صلح‌آمیز برای اصلاح واقعی، بازنشر در سال  
۱۹۰۲ با عنوان باغ شهر فردا، در عمل مانیفست جنبش باغ‌شهری
- ۱۸۹۹ جان لا (مارگارت هارکنس)، در تاریک‌ترین لندن  
فرانک نوریس: مک‌تیگ، داستانی از سان‌فرانسیسکو
- ۱۹۰۰ تئودور درایزر، خواهر کری  
افتتاح متروی پاریس
- ۱۹۰۱ کولت، پاتولین در پاریس
- ۱۹۰۳ ادوارد ا. راس، کنترل اجتماعی: پژوهشی درباره بنیان‌های نظم  
جک لندن، تهیدستان؛ انتشار پانزدهمین آهنگ در سال ۱۹۰۸  
گئورگ زیمل، کلان‌شهر و حیات ذهنی

- لج‌ورث، نخستین شهر جدید (باغ‌شهر) در انگلستان ایجاد شد  
 متروی نیویورک گشایش یافت ۱۹۰۴
- فردریک کلمسون هاو، شهر: امید دمکراسی ۱۹۰۵
- ساخت بخش هلیوپولیس قاهره بر اساس طرح بارون ادوارد لوتی جوزف امپاین  
 میخائیل کوزمین، بال‌ها ۱۹۰۶
- آپتون سینکلر، جنگل  
 جوزف کنراد، مأمور مخفی ۱۹۰۷
- سایمون نلسون پاتن، بنیان‌های جدید تمدن  
 جین آدامز، بیست سال در حال هاوس ۱۹۱۰
- تشریفات بنیان‌گذاری دهلی‌نو؛ با طراحی معمارانی به نام سر ادوین لوتینز  
 و سر هربرت بیکر، شهر در سال ۱۹۲۷ دهلی‌نو نام گرفت ۱۹۱۱
- توماس مان، مرگ در ونیز ۱۹۱۲
- دروتی ریچاردسون، سقف‌های نوک‌تیز؛ جلد نخست از سری سیزده‌تایی  
 رمان ژانر ۱۹۱۵
- پاتریک گِیدس، شهرها در تکامل، متنی کلیدی درباره برنامه‌ریزی اولیه  
 منطقه‌ای متأثر از دیدگاه‌های هربرت اسپنسر در باب به‌کارگیری دیدگاه  
 داروینی در دانش‌های اجتماعی. لوتیس مامفورد بعدها به تأثیرگذارترین  
 مریدِ گدس بدل شد
- آندری بیه‌لی، پترزبورگ ۱۹۱۶
- آبراهام کاهان، ترقی دیوید لوینسکی ۱۹۱۷
- ادیت وارنون، عصر بی‌گناهی ۱۹۲۰
- تی. اس. آلیوت، سرزمین هرز ۱۹۲۲
- جیمز جویس، اولیس  
 برتولت برشت، جنگل شهر ۱۹۲۴
- یوگنی زامیاتین، ما  
 اف. اسکات فیتزجرالد، گتسبی بزرگ ۱۹۲۵

جان دوس پاسوس، گذار منتهن

لو کوربوزیه، شهرگرایی (در ۱۹۲۹ با عنوان شهر فردا و طراحی آن ترجمه شد)؛ به دنبال آن طرح اوپوس برای الجزیره (۱۹۳۰)، شهر درخشان (۱۹۳۵) و منشور آن که برای کنگره بین‌المللی معماری مدرن (۱۹۴۳) منتشر شد

رابرت ای. پارک، ارزست دلبلیو. برگس و رودریک دی. مکنزی، شهر: پیشنهاداتی برای مطالعه سرشت بشری در محیط شهری

ویرجینیا وولف، خانم دالووی؛ در سال ۱۹۳۰ تسخیر خیابان: ماجراجویی لندنی را منتشر کرد

لویی آراگون، دهقان پارسی ۱۹۲۶

چارلی چاپلین (کارگردان)، عصر جدید

جان هنری مک‌کی، کلاهدردار

فریتس لانگ (کارگردان)، متروپولیس ۱۹۲۷

آندره برتون، نادیا ۱۹۲۸

کلود مک‌کی، بازگشت به هارلم

کینگ ویدور (کارگردان)، ازدحام

بنیان‌گذاری کنگره بین‌المللی معماری مدرن

آلفرد دوبلین، برلین الکساندر پلاتس ۱۹۲۹

هیو فریس، کلان شهر فردا

ژیگا ورتوف (کارگردان)، مردی با دوربین فیلمبرداری

هارت کرین، پل ۱۹۳۰

زیگموند فروید، تمدن و ناخرسندی‌های آن

فیلیپ راث، اسمش را بگذار خواب ۱۹۳۴

والتر بنیامین، «پاریس، پایتخت قرن نوزدهم» (نسخه بازنگری شده، ۱۹۳۹؛

هیچ‌یک در دوره حیات بنیامین منتشر نشدند)

لویس ورت، «شهرنشینی همچون شیوه زندگی» ۱۹۳۸

کریستوفر ایشروود، خدا حافظ برلین ۱۹۳۹

- ۱۹۴۰ فدریکو گارسیا لورکا، شاعر در نیویورک  
ریچارد رایت، پسر یومی
- ۱۹۴۰-۱۹۴۱ بمباران سنگین لندن از سوی هواپیماهای ارتش نازی  
بمباران‌ها و آتشباران‌های درسدن
- ۱۹۴۵ بمب‌های اتمی هیروشیما و ناگازاکی  
لیون فویشت وانگر، ونیز (تگزاس) و چهارده داستان دیگر
- ۱۹۴۶ احمد حمدی تانپینار، پنج شهر  
ویلیام کارلوس ویلیامز، پترسون، کتاب اول؛ کتاب‌های دوم تا پنجم در  
سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۴۹، ۱۹۵۱ و ۱۹۵۸ منتشر شد
- ۱۹۴۷ نجیب محفوظ، کوچه مدق؛ سه‌گانه قاهره (گذر قصر امین‌القصیرین)؛ کاخ  
آرزو (قصر الشوق)؛ خیابان شکرریزها (السوکریه)؛ به دنبال آن در فاصله ۱۹۵۶  
-۱۹۵۷ به چاپ رسید
- استقلال و جدایی هند و پاکستان  
گور ویدال، شهر و ستون
- ۱۹۴۸ پیروزی حزب تجدید اتحاد ملی در انتخابات آفریقای جنوبی بر اساس  
مرامنامه‌ای که تأسیس نظام آپارتاید را وعده می‌داد  
جرج اورول، ۱۹۸۴
- ۱۹۴۹ یوکیو میشیما، رنگ‌های ممنوع  
رالف ایسون، مرد نامرئی
- ۱۹۵۱ ادریس شرایبی، گذشته ساده  
گی دوپور، «نظریه شناوری»؛ جامعه نمایش پس از آن در سال ۱۹۶۷ آمد
- ۱۹۵۲ سس سلژن، لندنی‌های تنها  
کاتب یاسین، نجمه
- ۱۹۵۴ نبرد الجزیره، بخشی از جنگ استقلال الجزایر (۱۹۵۴-۱۹۶۲)  
جین جیکوبز، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا
- ۱۹۵۶ لئویس مامفورد، شهر در تاریخ؛ ریشه‌ها، دگرگونی‌ها و چشم‌اندازها

فرانتس فانون، دوزخیان روی زمین	۱۹۶۲
جان ریچی، شهر شب	۱۹۶۳
فرانک اوهارا، اشعار ناهار	۱۹۶۴
کلود براون، پسری در سرزمین موعود	۱۹۶۵
تامس پینچن، اعلان قرعه ۴۹	
پل ارلیک، بمب جمعیت	۱۹۶۸
احمدو کورو، خورشیدهای استقلال	
اعتراض‌های ضد جنگ، ضد نژادپرستی و ضد حکومتی و ناآرامی‌های مدنی در بسیاری از شهرهای اروپا و ایالات متحده	
شورش‌های استون‌وال	
دوریس لسینگ، شهر چهار دروازه	۱۹۶۹
توماس دیچ، ۳۳۴	۱۹۷۲
ریتا می براون، جنگل یاقوت سرخ	۱۹۷۳
دیوید هاروی، عدالت اجتماعی و شهر (بازنگری و ویراست مجدد، ۲۰۰۹)؛ کتاب‌های پس از آن شامل وضعیت شهری (۱۹۸۹)، وضعیت پسا مدرنیته: پژوهشی در ریشه‌های دگرگونی فرهنگی (۱۹۸۹) و پاریس، پایتخت مدرنیته (۲۰۰۳)	
آنری لوفور، تولید فضا	۱۹۷۴
جی. جی. بالارد، برج	۱۹۷۵
برگزاری نخستین راهپیمایی «بازپس‌گیری شب» در بروکسل با شرکت هواداران دادگاه بین‌المللی جرائم علیه زنان	۱۹۷۶
آنجلاکاوتر، شور عید نو	۱۹۷۷
اندرو هولرمان، رقصنده از رقص	۱۹۷۸
آرمستید مابین، جلد نخست داستان‌های شهر	۱۹۷۹
هنری لویز، بانگ خنده	۱۹۸۲
ریدلی اسکات (کارگردان)، بلید رانر	
آلن مور و دیوید لوید، الف مثل انتقام	۱۹۸۲-۱۹۸۹

- سی. کی. ویلیامز، قبر ۱۹۸۳
- مارتین آمیس، پول: یادداشت خودکشی، جلد نخست سه‌گانه لندن (شامل  
کشتزارهای لندن [۱۹۸۹] و اطلاعات [۱۹۹۵]) ۱۹۸۴
- میشل دوسرتو، رویه زندگی روزمره  
ویلیام گیبسون، نورومنس  
پل آستر، سه‌گانه نیویورک (شهر شیشه‌ای، ارواح، اتاق در بسته) ۱۹۸۵-۱۹۸۶
- مایکل اونداتیه، در پوست شیر ۱۹۸۷
- نیل بارتلت، آن مرد که بود؟ ۱۹۸۸
- کیت بریورمن، نواحی نخل خیز  
آلن هولینگ هرست، کتابخانه استخر  
حنیف قریشی، بودای حومه‌نشینان ۱۹۸۹
- ویلیام گیبسون و بروس استرلینگ، موتور تفاوت ۱۹۹۰
- اورهان پاموک، کتاب سیاه: استانبول: خاطره‌ها و شهر در سال ۲۰۰۳ منتشر شد  
برت ایستون الیس، روانی آمریکایی ۱۹۹۱
- ایان سینکلر، پایین رود  
امینه سوگی اوزدمار، زندگی کاروان‌سرای است که دو در دارد: از یکی وارد  
شدم و از دیگری بیرون رفتم؛ پس از آن، پل شاخ طلائی (۱۹۹۸) و حیاط  
در آینه (۲۰۰۱) ۱۹۹۲
- محاصره سارایوو در طول جنگ بوسنی ۱۹۹۲-۱۹۹۶
- ریاست جمهوری نلسون ماندلا در آفریقای جنوبی ۱۹۹۴
- ادوارد سوچا، فضای سوم: سفرهایی به لس‌آنجلس و دیگر مکان‌های واقعی  
و تخیلی؛ پساکلان شهر: مطالعات انتقادی شهرها و مناطق پس از آن در  
سال ۲۰۰۰ منتشر شد ۱۹۹۶
- ادموند وایت، سمفونی وداع ۱۹۹۷
- روبرتو بولانیو، طلسم ۱۹۹۹
- ساموئل آر. دانلی، میدان تایمز قرمز، میدان تایمز آبی

زادی اسمیت، دندان‌های سفید	۲۰۰۰
ربودن هواپیماهای مسافربری و برخورد آن‌ها به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک	۲۰۰۱
کامله شمسی، کارتوگرافی	۲۰۰۲
آر. راج رائو، دوست پسر	۲۰۰۳
کریس آبانی، گریسلند	۲۰۰۴
سازنات بنرجی، کریدور	
زوزه ساراماگو، کوری	۲۰۰۵
طاهر بن جلون، ترک طنجه	۲۰۰۶
مایک دیویس، سیاره زافه‌ها	
ویل سیلف، کتاب دیو	
اد رابرسون، شعر شبانی شهر	
ایوان ولادیسلاویچ، پرتره‌ای با کلیدها: گشودن قفل ژوهانسبورگ	
چاینا میه ویل، شهر و شهر	۲۰۰۹
هاروکی موراکامی، 1Q84	۲۰۰۹-۲۰۱۰
تجو کول، شهر باز	۲۰۱۱
برگزاری نخستین پیاده‌روی اعتراضی در تورنتو	
اشغال وال استریت، نخستین اردو زدن جنبش اشغال	
لورن گراف، آکادیا	۲۰۱۲
مانیل سوری، شهر دوی	۲۰۱۳

## ■ مقدمه

### کوبین آر. مک نامارا

شهر و محیط شهری بازنمود استوارترین و از نگاهی کلی تر، پیروزمندانه ترین تلاش‌های انسان است تا جهانی را که [در آن] زندگی می‌کند آن‌گونه بازسازد که با آرزوی قلبی‌اش هم سازتر باشد. اما اگر شهر جهانی است که [آدمیان] آفریده‌اند، جهانی است که از این پس نیز محکوم به زیستن در آن‌اند.  
رابرت ای. پارک، «شهر همچون آزمایشگاه اجتماعی» (۱۹۲۹)

تاریخ شهر در ادبیات به درازا و غنای تاریخ خود ادبیات و شهرهاست. موجودی کتابخانه سلطنتی آشوربانیپال در قرن هفتم پیش از میلاد را حدود ۲۵۰۰۰ جلد تخمین زده‌اند؛ مجموعه‌ای متنوع و چندزبانه از قریب به ۱۲۰۰ متن مختلف که بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ سطر می‌شد. [۱] در میان این آثار می‌شد کهن‌ترین رزم‌نامه برجای مانده جهان، یعنی حماسه گیلگمش، (حدود ۲۰۰۰-۲۱۵۰ پیش از میلاد) را یافت که با ستایش از پادشاهی به همین نام آغاز می‌شود؛ پادشاهی که «دیوار مأمّن اوروک / دیوار معبد مقدس ایثا و محراب مقدس را بنا کرد... همان که چونان مس می‌درخشد». [۲] داستان کهن‌ترین ایناتا و انکی (۲۵۰۰ سال پیش از میلاد) نیز اسطوره جانیشینی یک شهر به جای دیگری در سومر است. روایت حاکی از آن است که شهر اوروک جای شهر اریدو را در مقام شهر اصلی در جنوب میان رودان می‌گیرد. طبق روایت، ایزد انکی ورود ایزدبانو ایناتا به اریدو را جشن گرفت و هنگامی که او پس از شاد خواری به خوابی سبک فرو رفت، ایناتا با مه، هدیه‌ای که انکی در مستی به

۱. مه در اسطوره‌شناسی سومری یکی از فرمان‌های ایزدان است که در برداشت سومری برای نهادهای اجتماعی، اعمال دینی، فناوری‌ها، رفتارها، امور اخلاقی و شرایط بشری که سازنده تمدن است بنیادی است. این فرامین برای فهم سومری از رابطه میان انسان‌ها و خدایان نقشی اساسی داشتند. (لازم به ذکر است تمامی پانویشت‌ها از مترجم است.)



او بخشیده بود، به اوروک برگشت؛ مه در واقع احکام الهی بود که بنیان‌های تمدن را در بر داشت. [۳]

این نمونه‌ها حاکی از آن است که فرم‌های ادبی مانند حماسه، اسطوره، درام، مدیحه و ثنا هزاران سال اجزای سازنده دین مدنی، تاریخ شهری و هویت جمعی بوده‌اند. ایلیاد هومر (قرن هشتم پیش از میلاد) شرحی از ویرانی شهر آناتولیایی ایلیم (تروا) در آسیای صغیر را به دست نیروهای متحد یونانی در چهار قرن پیش از آن بازگو می‌کند. درام یونان گونه‌ای از نمایش شهری بود. کم‌دی گاه‌و بیگاه به مسائل روز می‌پرداخت. تراژدی «منش‌های کهن پهلوانی را... به جهان دمکراتیک پولیس، که مخاطبان اصلی نمایش را تأمین می‌کرد، پیوند می‌زد.» پیتر بوریان استدلال می‌کند که تراژدی با به روی صحنه آوردن مناظره و اختلاف نظر، «تعهد به آزادی بیان» را که عنصر بنیادین ایدئولوژی مدنی آتنی بود به مرکز توجه می‌آورد و از این طریق «در دمکراسی مشارکت می‌کرد». [۴] فیلسوفان یونان در متن‌های عملی و نظری فلسفه سیاسی (به معنای امور مربوط به پولیس) به این بحث عمق می‌بخشیدند. هشت قرن پس از هومر، سقوط تروا به واقعه‌ای بدل شد که سیر رخدادهای آن‌ه‌اید (نوزدهم پیش از میلاد)، منظومه حماسی ویرژیل درباره رم، را به پیش راند. از افسانه‌های سفر آینیاس و همراهی او در بنیان‌گذاری شهر رم، ویرژیل سطر به سطر شعر سفر قهرمان تروایی به ایتالیا، کامیابی او در زناشویی و استقرار دودمان رمی از طریق پسرش ایلیوس را در هم می‌تند. ویرژیل از این طریق میراث تمدن یونانی را به تصرف رم درمی‌آورد و در شخص آینیاس الگویی از فضیلت قهرمانانه را به تصویر می‌کشد که، استوارتر از افتخار فردی، بر تکلیف مدنی بنا شده است و به این ترتیب تروا را به مثابه شهری نمادین به فرهنگ رم وارد می‌کند؛ گونه‌ای از شهر که چنان‌که خواهیم دید تاریخی درازدامن و مهم در ادبیات شهر دارد.

پیوستگی و تداوم میان شهرهای مدرن و شهرهای باستانی تا اندازه‌ای محل مناقشه است، اما حتی در این صورت نیز بسیاری از این متون عتیق هنوز درباره شهرها و شهروندی حرفی برای گفتن دارند و از این بابت می‌توان به آن‌ها رجوع

کرد و اندرزهایی گرفت. ریموند ویلیامز در کلیدواژه‌ها (۱۹۷۶) استدلال می‌کند که در گذشته واژه شهر را برای «تمایزگذاری میان نواحی شهری و روستایی» به کار می‌بردند. تازه پس از قرن شانزدهم و آن هم تنها در اوایل قرن نوزدهم بود که «شهر به مثابه سامانی متمایز برای سکونت که به شیوه‌ای کاملاً متفاوت از زندگی دلالت داشت... توأم با دلالت‌ها و معانی مدرنش، به شکل کامل رایج شد.» [۵] اما با اینکه اندازه، گستردگی مکانی و شرایط مادی شهرها به راستی با آغاز انقلاب صنعتی عمیقاً دگرگون شد، نه تغییرات مکانی و اجتماعی ناشی از صنعتی شدن تداوم و پیوستگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی میان شهرهای باستانی، شهرهای اوایل دوره مدرن و شهرهای معاصر را زدودند و نه تاریخ واژه شهر.

اگر شهرهای مدرن مرکز تجمع گوناگونی و ایجاد زمینه‌هایی برای حقوق و آزادی‌ها قلمداد شود، آتن خود شهری بود «گسترده، چهارراهی مدیترانه‌ای با جمعیتی به لحاظ قومی متنوع که شهروندان مهاجر خود را با مشاغل برجسته سیاسی پذیرا بود. درحالی‌که آتن از چندگونگی فرهنگی کمتری در مقایسه با ملتی مدرن برخوردار بود، از جهاتی، به لحاظ اجتماعی و فکری، تنوعی بیشتر داشت.» [۶] سوزان استیونز در فصل دوم این مجلد خاطر نشان می‌کند که اسکندریه در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، کلان‌شهری با ۳۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بود متشکل از مصریان، یونانیانی که از بسیاری از دولت‌شهرها آمده بودند و جمعیت مهاجر یهودی که هر گروه محله متفاوتی از شهر را در اختیار خود داشت.

حتی «تخصصی شدن عملکرد انسان و کار او»، یعنی نشان تولید صنعتی که «هر انسانی را به شکلی مستقیم‌تر به فعالیت‌های مکمل همه افراد دیگر وابسته می‌سازد»، [۷] در شهرهای باستانی یافت می‌شد. لوئیس مامفورد می‌گوید در تمدن مصر «این امکان وجود داشت که کل زندگی را صرف پیشه‌ای جزئی کرد». مامفورد در تأیید ادعای خود مبنی بر اینکه «کارگران [در همان زمان نیز] قطعاتی هم‌شکل و قابل تعویض در ماشین پیچیده اجتماعی به شمار می‌رفتند»، به طیفی گسترده از شواهد اشاره می‌کند؛ از «هجونامه درباره معاملات بازرگانی» (حدود ۱۹۰۰ پیش

از میلاد) که به مدارک هزاره دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد و تقسیم کار را درباره اردوکشی‌ها و هیئت‌هایی که مأمور یافتن سنگ برای اهرام بودند با شرح و تفصیل بیان می‌کند، تا مشاهداتی که هرودوت در قرن پنجم پیش از میلاد درباره تخصص در پزشکی مصر ثبت کرده است. [۸]

در کتاب پیش رو تأثیرات دگرگونی‌های شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر شهرها و تأثیر این دگرگونی‌ها و تحولات بر بازنمایی شهرها در تاریخ ادبیات بررسی می‌شوند؛ از همین رو فصل‌های کتاب بر مبنای ترتیب تاریخی چیده شده‌اند. در مقدمه پیش رو به جای بازگویی این تاریخ به این موضوع می‌پردازیم که قرار است با چه شکل‌هایی از شهر ادبی سروکار داشته باشیم. میشل دوستو تو تمایزی معروف قائل است میان شهر هنگامی که از بالا و از بیرون دیده می‌شود (دیدگاه چشم خداگونه) و شهر تکه‌تکه‌ای که شخصی خاص در سطح خیابان آن را تجربه می‌کند. همین تمایز را در ادبیات نیز می‌توان دید. در ادبیات نیز با شهرهایی ادبی روبه‌رو می‌شویم که راوی آن‌ها را همچون کلیتی تام به نمایش می‌گذارد که از بیرون (یا از بالا) در حال نگرستن به صحنه شهری است، و یا تصویر دیگری ارائه می‌دهد که چشم‌انداز محدود شخصیت یا شخصیت‌ها در خیابان‌های شهر است. [۹]

شهر همچون کلیت تام از سه نمود اصلی برخوردار است. شهرهای نمادین نشان از آرمان‌ها دارند. شاید شهرهایی تاریخی باشند که به مظهری از ایده‌ها بدل شده‌اند، مثلاً آتن از آنجاکه پی در پی همچون آرمانی برای شکل دموکراتیک [حکومت] به کار رفته، به تدریج به نماد دموکراسی بدل شده است، یا ایدئال‌های افسانه‌ای مانند آرمان شهرهایی که در فصل اول بررسی شده‌اند، یا شهری بر تپه پیوریتن<sup>۱</sup> و مجادلات سیاسی در آمریکا که بعدها پیرامون آن صورت گرفت. متون ادبی که نقشه‌ای از جغرافیای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روابط شهرهای واقعی، چه با نام خود آن‌ها و چه با نام مستعار، ارائه می‌دهند، دومین شکل از شهر همچون کلیت تام را به نمایش می‌گذارند. شهرها در رمان‌های رئالیستی (که موضوع بحث استوارت

۱. Hill of Puritan: شهر روی تپه اصطلاحی است در خطبه عیسی بر کوه که در بستر مدرن در سیاست ایالات متحده به کار می‌رود تا به این امر اشاره کند که آمریکا مانند «چراغ امید» برای جهانیان عمل می‌کند.

کولور در فصل ششم است) مشهودترین نمایندگان این اسلوب هستند. فراداستان<sup>۱</sup> تاریخ‌نگارانه نیز در همین دسته جای می‌گیرد؛ اصطلاحی که لیندا هاچن برای نام‌گذاری داستان‌هایی ابداع کرد که رخدادها و شخصیت‌های تاریخی را به روایت‌هایی وارد می‌کنند که هم در نقش افسانه‌های تاریخی عمل می‌کنند و هم امکان بازنمود تاریخی صحیح را به پرسش می‌گیرند. [۱۰] در فصلی که کارولین هربرت نوشته است، به شماری از این‌گونه متن‌ها درباره شهرهای پسااستعماری برمی‌خوریم. البته جایی در میان این دو شکل، شهرهایی قرار می‌گیرند که آشکال آن‌ها نظام‌مندانه دست‌کاری و تحریف می‌شود تا حالت یا کیفیتی ویژه را منتقل کنند. گوتیک شهری، امر والای شهری<sup>۲</sup>، ویران‌شهر<sup>۳</sup> و برخی انواع شهرهای شبانه و پسامدرن نمونه‌های اصلی چنین متن‌هایی هستند. [۱۱] هنگامی که تمرکز بر شهر از دریچه ادراک یک شخصیت صورت می‌گیرد، حاصل آن به ضرورت تجربه‌ای تکه‌تکه و ذهنی از شهر است که از ادراکات، احساسات و خاطرات زاده می‌شود. درحالی‌که این شیوه هرگز شهر را در تمامیت خود منعکس نمی‌سازد، آرنولد واینستین در فصل دهم به ما نشان می‌دهد که بسیاری از نویسندگان مدرنیست در پی آن‌اند تا با نمایش شهر از چشم‌اندازهایی چندگانه و به لحاظ مکانی پراکنده، شرحی کامل‌تر اما هنوز ذهنی و ناتمام از شهرهای خویش ارائه دهند.

سراسر سه فصل نخست ما، که به شهرهای ادبیات باستانی و اوایل دوره مدرن می‌پردازند، تصویری ملموس از شهرهای نمادین ترسیم می‌کنند. هری برگر منتقد با تیزبینی استدلال می‌کند که عملکرد جهان‌های آرمانی تنها این نیست که با نوید خوشبختی اغوایمان کنند، بلکه این کارکرد را نیز دارند که ژرفای محدود و دفاع‌ناپذیری شان را نشان دهند و بدین ترتیب خوانندگان را با چشم‌انداز غنی انتقادی به جهانی که در آن ساکن‌اند و نیز به آرزوهای خویش در زندگی بازگردانند. [۱۲] آنتونیس بالزوپولس در بحث خود درباره شهرهای آرمانی نشان می‌دهد که یونانیان به این حقیقت آگاه بودند. آن‌ها دریافته بودند تضادی ناگزیر در کار است میان

1. metafiction

2. the urban sublime

۳. dystopian city؛ پادآرمان‌شهر، دژستان، یا کابوس‌آباد.

«وابستگی هستی‌شناختی و سیاسی‌شان» به شهری کاملاً منظم، هماهنگ و عادلانه از یک سو و واقعیت‌های گریزناپذیر ناهمگونی و دگرگونی‌پذیری، یعنی همان اموری که ما را به انسان بدل می‌کند. بنابراین «بهترین» مکان (یو-توپوس<sup>۱</sup>) برای ما مناسب نیست؛ چنین مکانی او-توپوس<sup>۲</sup> (ناکجا‌آباد) است، چنان‌که توماس مور در بازی با واژگان در عنوان اثرش، آرمان‌شهر، بدان اشاره می‌کند. «بهترین» شهر از سویی، با آرمان‌هایی که تجسم آن است و شوروشوق‌هایی که برمی‌انگیزد نکاتی بنیادین پیرامون وضعیت‌مان عیان می‌کند (و تأثیر بسزایی بر ادبیات شهر می‌گذارد) و از سوی دیگر، به‌گفتهٔ رابرت ای. پارک، پیشگام جامعه‌شناسی شهری، به ما یادآوری می‌کند که چرا شهرهای واقعی ما جایی هستند که «محکوم» به زیستن در آنیم. بالازوپولس نیز همین مسیر را ادامه می‌دهد تا نشان دهد آرمان‌شهرهای نویسندگان رنسانس، متون ادبی درخور و قوم‌نگاری‌هایی افسانه‌ای بودند که حاوی بازی کلامی و ابهام‌اند و از این‌رو نیازمند تفسیر.

شهرهای باستانی که سوزان استیونز در فصل دوم درباره‌شان می‌نویسد فراتر از شهرهای تاریخی‌اند. آتن، اسکندریه، رم و اورشلیم نیز - که همگی هزاران سال پیوسته محل سکونت بوده‌اند - اسامی خاصی هستند که با شکل‌های شهر پیوندی ماندگار و نازدودنی دارند. آتن و رم قرن‌ها عباراتی کوتاه بوده‌اند که به‌اختصار به جای سامان‌های مدنی دمکراتیک و امپراتوری به کار رفته‌اند. اسکندریه و شهر زمینی اورشلیم (متمایز با اورشلیم آسمانی آگوستین هیپو) امروزه بیشتر محل توجه‌اند؛ اسکندریه به‌مثابه شهری با فرهنگ‌های بسیار از زمان دودمان بطلمیوس، و اورشلیم همچون سرنمون<sup>۳</sup> شهر دورافتادگان که با گم‌گشتگی و خاطره پیوند خورده است. بحث استیونز هم به تصویری ادبی که نویسندگان باستانی از این چهار شهر ترسیم کرده‌اند توجه نشان می‌دهد و هم بر معنای امروزی این شهرها به‌مثابه نماد تمرکز می‌کند و این دو را با یکدیگر می‌آمیزد.

کارن نیومن در فصل بعد بحث را پیرامون پایتخت‌های فرهنگی اروپای قرون وسطا

1. eu-topos

2. ou-topos

3. archetype

و اوایل دوران مدرن پی می‌گیرد و خاطر نشان می‌کند که شهرهای نمادین در سرتاسر این قرون با اهمیت باقی می‌مانند. نه تنها شهرهای تمثیلی و مجازی مانند شهر خدا و شهر روی تپه قد علم می‌کنند، بلکه پایتخت‌های فرهنگی نیز که هر یک ادعا می‌کند میراث‌دار راستین فضیلت‌ها و قدرت‌های شهرهای باستانی است، تا اندازه‌ای از طریق منظره‌های تماشایی، مراسم باشکوه و میراث برجسته تاریخی و بیانی برگرفته از باستانیان شکل سمبولیک پیدا می‌کنند. با این حال، در همین سال‌هاست که گونه‌های شهری و خیابانی نوشتار که ما آن را با ادبیات شهری مدرن در پیوند می‌دانیم پدیدار می‌شود، چنان‌که نیومن نمونه‌های آن را در آثار نویسندگانی چون فرانسوا ویون، ایزابلا ویتنی و نیکولا بوالو نشان می‌دهد.

تاریخ مدرن شهر ادبی نیز با آرمان - یا شاید اسطوره - شهرنشینی آغاز می‌شود که موضوع بحث آلیسون اوپرن در فصل چهارم است. سپهر عمومی بخشی از زندگی عمومی است که در آن مردم گرد هم می‌آیند تا بحث و گفت‌وگو کنند و در پی رسیدن به اجماع پیرامون طیفی از مسائل اجتماعی و فرهنگی‌اند. سپهر عمومی در لندن و دیگر شهرهای قرن هجدهم، تماشاخانه‌ها، نشریات دوره‌ای و نیز قهوه‌خانه‌ها را در بر می‌گرفت که مکانی برای ارزیابی و بحث دربارهٔ تئاتر و نشریات بودند. «آقای تماشاگر»، قهرمان حوزهٔ عمومی لندن، شخصیتی بود آفریدهٔ مشترک دو نویسنده به نام‌های جوزف آدیسون و ریچارد استیل که روزنامه‌شان، اسپیکتور، هفته‌ای شش روز، از سال ۱۷۱۱ تا ۱۷۱۲، ۵۵۵ شماره منتشر کرد. شمارهٔ دهمش به خود می‌بالید که به تیراژ ۳۰۰۰ نسخه رسیده است و ۶۰۰۰۰ خواننده دارد که بالغ بر ده درصد از کل جمعیت شهر بود. [۱۳] اوپرن توضیح می‌دهد چندان توافقی وجود ندارد که توصیه و رفتار آقای تماشاگر توصیفی بوده است یا تجویزی. لندن، فارغ از خوشنامی یا بدنامی‌اش، شهری بود مقصد مرد جوانی جوئی نام و ثروت که میان دریایی از بیگانگان سرگردان می‌شود و (مانند هر پایتخت فرهنگی دیگری) نقطهٔ مرجع برای بحث‌های زمانه پیرامون اخلاق شخصی و سیاسی بازرگانی و تجمل است. در چنین حال و هوایی است که شخصیت تماشاگر سر برمی‌آورد و در جریان

فعالیت روزانه به ایفای نقش می‌پردازد. هم‌لندنی‌ها و هم‌بازدیدکنندگان شهر باید به یک اندازه می‌آموختند که چگونه دیالوگ‌های آن را بخوانند و از نیتی که در پس آن قرار داشت - و فقط خداوند از آن آگاه بود - مطلع شوند. او برن در جریان تمامی این ماجراها ضد ادبیات دوره‌ای را می‌بیند که راه‌ورسم‌شهرنشینی را که بیش از اندازه با سردرگمی، فریب و تظاهر همراه بود به ریشخند می‌گرفت. بسیاری از گونه‌های شخصیتی در این داستان‌ها از دل کم‌دی باستانی به زمان حاضر آورده می‌شوند. از این دوره به بعد، حجمی انبوه از ادبیات غنی در اختیار داریم که به ارائه تصویری از شهرهای واقعی و شیوه‌های زندگی که پشتیبان آن است می‌پردازند؛ مجموعه‌متن‌هایی که اصل بنیادین رابرت ونچوری معمار و دنیس اسکات براون طراح نمونه بارز آن‌هاست: «شهر مجموعه‌ای از کنش‌های درهم‌تنیده است که الگویی را بر زمین شکل می‌دهد». [۱۴] چشم‌انداز مصنوع، ابتدایی‌ترین این الگوها بر زمین است. ویرانی خلاقانه آن - تغییر شکل چشم‌انداز در جست‌وجوی کسب سود، نظارت، کنترل اجتماعی، یا برخی اهداف دیگر - نتیجه مداوم فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. عناصر طراحی و تزئینات [شهر] گویای ارزش‌ها هستند و ساختارهای شهر نیز شیوه‌هایی از رفتار جمعی و فردی را حمایت، تشویق و محدود می‌سازند. کافی است تصور کنیم ایجاد پارک عمومی یا بازار خرید خصوصی در میانه شهر چه آثاری بر جای می‌نهد تا این امر را دریابیم.

یکی از کارهایی که ادبیات شهر می‌تواند به بهترین شکل انجام دهد بررسی کنش و واکنشی است که میان محیط‌های شهری و رفتار انسانی در جریان است؛ چه در داستان‌هایی که نقشه‌ای از فضاها و برهم‌کنش‌های اجتماعی، گمانه‌زنی‌های آرمان شهری یا پادآرمان شهری ترسیم می‌کنند، چه در تمامی انواع پروژه‌های اصلاح‌گراییانه‌ای که بر اساس احساس، هوچی‌گری، «تجربه»، [۱۵] یا نظریه اجتماعی و سیاسی بنا شده‌اند. هنگامی که رابرت پارک در سال ۱۹۲۵ از بدهی جامعه‌شناسان به «نویسندگان داستان» سخن گفت، بدین سبب که آنان «معرفت ژرفی از زندگی شهری در اختیارمان گذاشته‌اند»، از تاریخ ادبی شهر ستایش می‌کرد. [۱۶]

اما اگر از این سخن چنین نتیجه بگیریم که چنین معرفتی با آن نوع از رئالیسم که ذاتی مدرک مستند است ارزشی برابر دارد، بی تردید در ارزیابی آن به خطا رفته ایم. شاید برخی از نویسندگان بکوشند به مدارک مستند وفادار بمانند و چه بسا بعدها مسافران شیفته ادبیات، سفرهای دور و سرگردانی‌های شخصیت‌های خیالی را در کوی و برزن واقعی شهر دنبال کنند، اما این اثر واقعیت نه تضمینی برای اعتبار سندیت متن است و نه عملکرد اصلی متن ادبی را به درستی بازمی‌شناسد. [۱۷]

بهتر آن است که متون ادبی شهری را متن‌هایی در نظر بگیریم که امر دانسته را به صورت گزینشی ترکیب می‌کنند - همچنین ممکن است این متن‌ها امر دانسته را برای آشنایی‌زدایی دست‌کاری کنند - تا بدین ترتیب مرحله به مرحله وارد فرایند درک شهر شوند؛ حال چه در این فرایند از بالا به شهر نگریسته شود، چه از درون. ادبیات شهر خواننده را فرامی‌خواند تا الگوهایی را ببیند که شهر از درون آن‌ها ساخته می‌شود، یا زندگی در شهر را تجربه کند و در مسیر فهمش گام بردارد. تجربه خواندن در بهترین حالت تجربه‌ای تکرار شونده است که فرضیات و نتیجه‌گیری‌های خواننده درباره راه ورسم شهرها و ساکنان آن‌ها را می‌سنجد.

با این حال، ادبیات شهر همچنان بخشی از مدارک مستند اندیشه شهری در سراسر تاریخ است. آنچه دیوید هاروی جغرافی‌دان درباره رمان‌ها و داستان‌های پارسی انوره دو بالزاک بیان می‌کند، در سطح گسترده‌تر درباره ادبیات شهر نیز صادق است:

[آثار او] نکات روشن‌بینانه بی‌شماری درباره زندگی شهری در خود [دارند] (منبعی مستند، هرچند مشکوک درباره واقعیات مسلم که به سهم خود واجد اهمیت‌اند). [این آثار] مطالب بسیاری را درباره جهان مادی و فرایندهای اجتماعی (آرزوها، انگیزه‌ها، فعالیت‌ها، نیرنگ‌ها و زورگویی‌ها) که پیرامون آن‌ها در جریان است به ثبت می‌رساند. همچنین شیوه‌های گوناگونی برای نمایش آن جهان می‌کاوند و به تخیل مردم یاری می‌رسانند تا بدانند که شهر چه بوده و چه می‌تواند باشد... [بدین ترتیب،] آثار بالزاک

کمک می‌کنند شهر ملموس و قابل فهم شود. [۱۸]



در اواخر قرن نوزدهم به راستی بسیاری از نویسندگان با آگاهی دقیق از آثار حوزه در حال پیشرفت علوم اجتماعی درباره شهرهایی نوشتند که مدلی از شهر به مثابه تمامیتی ساختاری یا کارکردی بود.

استوارت کولور در فصل ششم تأثیر متقابل علم اجتماعی و رمان را بررسی می‌کند. او با انتخاب متونی که از نمونه‌ای صرف برای نظریه فراتر می‌روند نشان می‌دهد که رمان‌ها اعتبار نظریه‌ها را در تقابل با انگیزه‌ها و رفتار شخصیت‌ها به آزمونی «تجربی» می‌گذارند و از ناتوانی نظریه در شمول و نظم بخشی به آشفتگی زندگی روزمره پرده برمی‌دارند. بحث او نشان می‌دهد که چگونه جایگزینی پیوندهای صمیمانه‌تر جماعت اندام‌وار با پیوندهای ابزاری جهان گزشتافتا هم آثاری بیگانه‌ساز دارد و هم آثاری رهایی‌بخش. در این فضا، قرارداد همچون اصل بنیادین تعامل اجتماعی عمل می‌کند، تقلید به مثابه شیوه بازتولید اجتماعی ظاهر می‌شود (که بسیاری اوقات فعالیت مصرف‌کننده تجلی آن است)، نقش قیومیتی مطبوعات، سازمان‌های مدنی و دیگر نهادهای شهری در حکم کارگزاران کنترل اجتماعی عمل می‌کند، و بی‌تفاوتی شهرنشینان را در برابر شوک‌ها و شگفتی‌های زندگی شهری ایمن می‌سازد.

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های رودرروی نظریه‌پردازان و اصلاحگران اجتماعی شهری، فقر و موقعیت طبقات کارگر بوده است. اما بارت کیونن و لوک دو دروخ در فصلشان درباره غیرخودی‌های اقتصادی (فصل هفتم) می‌گویند کارکرد روایت غیرخودی‌ها در ادبیات شهر بر این اساس رقم می‌خورد که آیا سرنوشتشان ادغام در دل نظمی اجتماعی است که غاصبان کارشان از آن پشتیبانی می‌کنند یا با آن مقابله. البته دیگر ابعاد هویتی نیز نقش این غیرخودی‌ها را محدودتر و مشروط‌تر می‌کند؛ از جمله کارگران بومی و مهاجران، کارگران متعلق به قومیت مسلط و اقلیت‌های نژادی یا قومی؛ هر گروه در مسیر ادغام کامل با موانع گوناگونی رویارو می‌شوند و نماینده نوعی متفاوت از تهدید برای نظم و سامان موجود هستند. کیونن

و دو دروخ چهار جایگاه روایی را تشخیص می‌دهند که غیرخودی‌های اقتصادی در دو قرن گذشته داشته‌اند: عاشق شکست خورده، معضل اخلاقی، نیروی اجتماعی مخالف خوان و فرد ازخودبیگانه‌ای که فقط درکی مبهم از هویت طبقاتی خود دارد. هریک از این نقش‌ها از خواننده می‌خواهد که اسلوب متفاوتی از فهم شناختی و عاطفی را بپذیرد و هریک از سرنوشت متفاوتی برای غیرخودی‌ها و حقیقت درباره جامعه‌ای که بدین ترتیب برساخته می‌شود پرده برمی‌دارد.

ادبیات مستعمرات خارجی اروپایی مناسبات اجتماعی را به دو گروه متعارض فرومی‌کاهد: استعمارگر و سوژه تحت استعمار. روایت‌های بهبود و ادغام به کار مردمان استعمارشده نمی‌آید، درحالی‌که تحت نظام کاستی نژادمحور، برخورداری از هرگونه جایگاه یا منزلت، به مثابه افراد ازخودبیگانه (یا هر نوع دیگری) برای شخصی که استعمار می‌شود دور از دسترس است. [۱۹] ست گریبیر در فصل چهاردهم نشان می‌دهد سلطه و تسلیم، هرچیز مربوط به شهر استعماری را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ از مناسبات اجتماعی آن گرفته تا چشم‌اندازهای مصنوع (حتی در سطح مصالح و تسهیلات رفاهی آن) و آزادی جابه‌جایی ساکنان شهر. الگوهای مکانی محله‌های بومی و مهاجران، به یکسان، بیانگر باورهایی از بیخ‌وبن متفاوت پیرامون سرشت بشر، زندگی جمعی و اهداف شهرهاست. تجربه سلطه و ازجاکنندگی چنان بر وجدان سوژه‌های استعماری سنگینی می‌کند که مقاومت و شورش را به مثابه تنها گزینه‌های «موتق» باقی می‌گذارد. چنان‌که گریبیر اشاره می‌کند و کارولاین هربرت در رابطه با شهرهای پسااستعماری در فصل پانزدهم شرح می‌دهد، در وضعیت پسااستقلال، نشانه‌های تبعیض که در دل چشم‌اندازهای شهری تعبیه شده‌اند، چنان مقاوم‌اند که به سادگی زودونی نیستند. اما هربرت نشان می‌دهد که درست به همین دلیل می‌توان آن‌ها را در صف تلاش‌های ادبی یا هر کوشش دیگری قرار داد که باید چندوچون آسیب‌ها و ضربات ناشی از استعمار و میراث آن را دریابد و صدایی باشد برای دیدگاه‌هایی که زمانی خاموش شده‌اند. کار ادبیات پسااستعماری آن است که رشته‌های داستان‌های سرکوب‌شده، یا به طریقی از دست‌رفته را در تاروپود

تاریخ‌های «رسمی» گره بزند؛ تاریخ‌هایی که مسئول فراداستان‌های تاریخ‌نگارانه درهم بافته - و ازهم شکافته - پیچیده درباره شهر پسااستعماری هستند. موضوع اصلی فصل هربرت همین است.

هربرت همچنین هنگام بحث پیرامون رمان مایکل اونداتیه، در پوست شیر (۱۹۸۷)، گستره موقعیت‌های استعماری در طول «عصر استعمار» (قرن شانزدهم تا بیستم) را به یادمان می‌آورد و جغرافیای پیچیده‌ای از سامان پسااستعماری را به ما خاطر نشان می‌سازد. اونداتیه شهروند مهاجر کانادا بود که در سری لانکا زاده شد؛ جزیره‌ای مستعمره کشور پرتغال که به هلندی‌ها واگذار شد و در زمان تولد او تحت حاکمیت بریتانیا قرار داشت. رمان پوست در تورنتوی پس از استقلال جریان دارد و سیمای نیکولاس تملکوف را به تصویر می‌کشد؛ کارگری که از مقدونیه پساعثمانی مهاجرت می‌کند. اهالی مقدونیه تحت نظام عثمانی از استقلال محدودی برخوردار بودند، [۲۰] در حالی که در تورنتو - شهری مستعمره‌نشین که نخبگان استعماری آن، حتی پس از استقلال کانادا، در قدرت باقی مانده بودند و غیرخودی‌های قومی رسماً نامرئی شمرده می‌شدند و اغلب هنگامی که به کار آن‌ها نیازی نبود، اخراج می‌شدند - تملکوف از بسیاری جهات سوژه‌ای استعماری تلقی می‌شد. بنابراین موقعیت کانادا و مقدونیه با یکدیگر متفاوت است و این هر دو نیز به روشنی با پروژه‌های استعماری اروپایی مقارن با آن در آفریقا و آسیا تمایز دارند.

برچیده شدن نظم استعماری، جابه‌جایی‌های اجباری و عزیمت‌های خودخواسته بیشتر و بیشتر به مقصد سرزمین‌های جدید، و حمل و نقل سریع‌تر و ارزان‌تر که بازگشت‌های متناوب به سرزمین مادری را برای شمار گسترده‌تر مهاجران امکان‌پذیر می‌سازد، جمعیت شهرهای مهم دنیا را جهانی کرده است. گونه‌های بسیار جابه‌جایی‌های اجباری و اختیاری مستلزم رده‌شناسی برای طبقه‌بندی انواع مقاصد، و مدت‌زمان اسکان مجدد، و نیز روابط ذهنی مهاجران با موطنشان و سرزمین‌هایی است که آن‌ها را پناه داده‌اند؛ موضوعی که آزاده سیهان در فصل شانزدهم به مرور آن پرداخته است. چنین تحرکی لزوماً پناهندگی و اسکان

مجدد را آسان تر نمی سازد، از این رو سیهان در بحثش از مردمی می گوید که در شهرها ساکن اند اما به ملت ها تعلق ندارند؛ مردمی چه به مثابه جهان شهروندان در حال حرکت میان شهرها، چه در مقام مهاجران، اعضای دیاسپورا، آوارگان، پناهندگان یا هر عنوان دیگری. این ساکنان شهر لایه معنایی جدیدی به انگاره قدیمی شهر به مثابه گردهمایی بیگانگان می افزایند؛ بیگانگانی که در تلاش برای آشنا ساختن شهر، همچنان که تصاویر، خاطرات، برداشتهای ایدئالیزه شده از سرزمین مادری شان را بر روی منظره های جدید نقش می کنند تا آن ها را برای خود زیست پذیرتر سازند، شهر را «بیگانه» می کنند. سیهان با تمرکز بر دو نویسنده، امینه سوگی اوزدمار و لیون فویشت وانگر و شخصیت های رمان نواحی نخل خیز، اثر کیت بریورمن، بر تنوع موقعیت ها و برخی از عواملی انگشت می گذارد که سرنوشت مهاجران را تعیین می کند، چراکه آنان در فضای شناختی میان زبان ها و فرهنگ ها زندگی می کنند و در تلاش اند نه تنها واژگان و آداب و رسوم، که خاطرات و چشم اندازها را نیز ترجمه و تفسیر کنند و می کوشند در میانه جابه جایی و ازجاکندگی خود نوعی هویت کانونی را برای خویش حفظ کنند. اوزدمار نوشتن به زبان آلمانی را در برلین آغاز می کند، به رغم اینکه هیچ خاطره ای از کودکی در آنجا ندارد، در حالی که فویشت وانگر پس از پناهندگی و سکونت دائم در لس آنجلس در سال ۱۹۴۱ به نوشتن به زبان آلمانی ادامه می دهد. هر دو نویسنده دریافتند که ترجمه در همان حال که با غنای اندیشه و احساس همراه است، تئکی و بی مایگی نیز در پی دارد. هرچند، درست در نقطه مقابل، گلوریا، شخصیت داستان نواحی نخل خیز (۱۹۸۸)، که به لحاظ اقتصادی و نژادی حاشیه ای است، به لحاظ زبانی و فرهنگی نیز بیگانه باقی می ماند. مانند بسیاری از مهاجران که خود را محصور در گتوها و نواحی بینابینی می بینند و در برابر زبان و فرهنگ جدید با دشواری روبه رو هستند (و برخلاف مهاجران یا تبعیدیانی که با استفاده از ثروت یا دیگر اشکال امتیازات، خود را از مشکلات مصون نگه می دارند)، گلوریا و سرنوشت او به ما یادآور می شود که «آزادی در شهر» هنوز چه اندازه گریزان و حتی وهم آلود است.